

واژه‌شناسی

بررسی واژه‌هایی که می‌شنویم اما تعریف دقیقی از آنها نداریم.

اشاره:

آنچه این روزها خیلی انسان را سردرگم می‌کند ازدیاد واژگانی است که در محافل علمی با آن سخن می‌گویند واژه‌هایی که بعضی وقت‌ها آدم از شنیدن آنها دچار ترس و واپس‌گرایی می‌شود جدای از این که بعضی‌ها به بیماری استفاده زیاد از این واژه‌ها دچارند باید این واقعیت را بپذیریم که ادبیات در حوزه‌های مختلف دستخوش تحول شده است و خواه و ناخواه حوزه تفکر و مسایل فلسفی نیز از این قاعده مستثنی نیست. از آنجایی که درک درست واژه‌هایی که به مقوله فکر مرتبط است ما را در شناخت درست هستی کمک می‌کند بر آن شدیم تا هر شماره به تعریف لغوی و اصطلاحی برخی واژه‌های کلیدی بپردازیم البته تنها در حد یک تصویر کلی از آن واژه خاص بی‌شک راهنمایی شما خواننده عزیز در بهبود روند این بخش به ما کمک می‌کند.

۱- رئالیسم

رئالیسم نامی است که بر بسیاری از سیستم‌ها و مجموعه آراء فلسفی در حوزه‌های مختلف اطلاق می‌شود. به عنوان یک تعریف اجمالی هر سیستم فکری که اشیاء و دست‌کم برخی پدیده‌ها را دارای واقعیت عینی بداند رئالیستیک است. در عین حال، رئالیسم در حوزه‌ها مطرح و دارای معانی مختلفی است.

رئالیسم در حوزه متافیزیک

رئالیسم معتقد به پذیرش سه اصل زیر درباره جهان خارج است:

(الف) اشیای زمانی و مکانی در جهان خارج مستقل از ما وجود دارند.

(ب) این اشیای مستقل از این که به وسیله ما ادراک شوند یا نه، وجود دارند.

(پ) اشیای جهان خارج خواص و روابطی دارند که مستقل از ذهن، اندیشه و زبان ما است. نپذیرفتن هر یک از این سه اصل منجر به ایدئالیسم و افکار واقعیت عینی می‌شود. این سه اصل البته مستقل از یکدیگر نیستند؛ نپذیرفتن اصل اول خود به خود مردود شمردن دو اصل بعدی را لازم دارد.

رئالیسم اخلاقی

رئالیسم اخلاقی خود سه بخش مختلف دارد: متافیزیک، دلالت‌شناسی و معرفت‌شناسی.

الف) رئالیست اخلاقی در حیطه متافیزیک اخلاق معتقد است که ارزش‌های اخلاقی وجود عینی واقعی دارند. نیکی یا بدی اخلاقی مستقل از آگاهی مردم و یا حتی اعتقاد داشتن آن‌ها به این ارزش‌هاست. برخی نطه‌های نسبی‌گرایی اخلاقی، ارزش‌های اخلاق را مبتنی بر باورها و تمایلات اخلاقی مردم می‌دانند، اما رئالیسم اخلاقی، چنان‌که گفته شد، نیکی و بدی را دارای وجود مستقلی می‌داند، به طوری که حتی اگر همه مردم بر خلاف آن معتقد باشند، باز هم این ارزش‌های اخلاقی سر جای خود هستند.

ب) دلالت‌شناسی حوزه‌ای است که در آن ارتباط بین زبان و موجوداتی که الفاظ بر آن‌ها دلالت می‌کنند، بررسی می‌شود. وقتی درباره یک موضوع اخلاقی سخن می‌گوییم از عبارات و اصطلاحاتی استفاده می‌کنیم که بار اخلاقی دارند. درباره نحوه دلالت این عبارات به دو نحو می‌توان سخن گفت: یکی این‌که عبارات و جملات اخلاقی ما بر ارزش‌های اخلاقی دلالت می‌کنند و بر حسب آن‌که مطابق با واقع باشند یا نه می‌توانند صادق یا کاذب باشند. رئالیسم اخلاقی در حوزه دلالت‌شناسی معتقد به چنین نظری است.

پ) رئالیست اخلاقی در حوزه معرفت‌شناسی مفاهیم اخلاقی معتقد است که ۱) برخی باورها صادق‌اند؛ ۲) راه یا راه‌هایی برای توجیه باورهای اخلاقی وجود دارد؛ بنابراین، باور صادق موجه می‌تواند وجود داشته باشد. پس ۳) دانش و معرفت اخلاقی ممکن است.

رئالیسم ادراکی

یک رئالیست ادراکی در درجه اول یک رئالیست متافیزیکی است، یعنی معتقد است که جهانی از اشیای مستقل از ما وجود دارد. در این میان، دو دسته رئالیست قرار می‌گیرند: رئالیست‌های بی‌واسطه و رئالیست‌های باواسطه یا غیرمستقیم. این رئالیسم ادراکی، هر دو در این موضوع که ادراک ما را اشیای جهان خارج تشکیل می‌دهند، مشترکند؛ اختلاف بر سر مکانیسم این ادراک است. رئالیست‌های غیرمستقیم معتقدند که اشیای جهان خارج تصاویری در ذهن ما به وجود می‌آورند و ادراک ما به این تصاویر (که خود گونه‌ای از اشیای هستند؛ اشیای ذهنی) تعلق می‌گیرند. در واقع این تصاویر واسطه بین ذهن ما و جهان خارج اند.

در مقابل، رئالیست‌های بی‌واسطه معتقدند که در ادراک ما نسبت به جهان خارج، هیچ واسطه‌ای دخالت نمی‌کند. اشیای جهان مستقیماً اثری روی ما می‌گذارند و موجب معرفت و دانش ما نسبت به خود می‌شوند.

ادامه دارد

